

درست مثل یک فیلم سینمایی اکشن می ماند. از آن دست تریلرهایی که از فرط خشونت بسیار در کنار صفحه واژه ۱۸+ نقش می بندد و معنای آن این است که کودکان و بیماران قلبی و افراد مسن از تماشای آن خودداری کنند. یک خشونت عریان و سیاه که در کمتر جایی می توان نظیر آن را یافت. این داستان کلیشه ای فوتبال ایران در تمام این سال هاست که همانند یک موتیف آزاردهنده از بازی به بازی دیگر و فصلی به فصل دیگر تکرار می شود و به نظر پایانی ندارد. اتفاقی که فوتبال را به معرکه سیاهی بدل کرده که به جای لذت بردن از آن باید هر هفته تنها شاهد نفرتی باشیم که همچون شرنگی تلخ کام همه را زهر می کند. آنچه اینجا به عنوان فوتبال روی پرده می رود، حتی در خونبارترین و حیثیتی ترین نبردهای فوتبال در سراسر دنیا کمتر مشابهتی دارد. درال کلاسیکو به عنوان بزرگترین دربی دنیا، در دربی گلاسکو، در دربی های متعدد ایتالیا و انگلیس هم شبیه آنچه در اینجا می بینیم، رخ نمی دهد. در آنجا رقابت و حتی عداوت پیرنگ فوتبال می شوند و دربی استعاره ای از زندگی است که برای ماندن و پیروز شدن در آن باید جان کند و حتی به آن رنگ خون زد اما در ایران تنها نفرت و سیاهی است که زیر پوست فوتبال جریان دارد و هر لحظه بر این تنوره دیو می دمد. هیولای بی سرو دم و اشکمی که فوتبال را به نبرد گلدیاتورهایی شبیه کرده که برایشان هدف برد و موفقیت هروسیله ای را حتی جان و خون را توجیه می کند. بازیگران این گود حماقت اما یک چند ضلعی ثابت هستند که هر کدام از در آن سهمی دارند و تابوت فوتبال را به دوش گرفته اند.

## بازیکنان

بازیگران اصلی این معرکه سیاه آنها هستند؛ اکتورهای ثابت نمایشی که هر هفته به اسم فوتبال روی پرده می رود. آنها که همانند هنرپیشه ای که در قالب پرسوناژهای کلیشه ای فرو رفته، رفتاری را تکرار و تکرار می کنند که جانمایه اصلی این نمایش مهوع است.

در فوتبال ورشکسته ای که بازیکنانش همانند برده های قرون وسطی با رقم های گزاف میلیاردي خرید و فروش می شوند، ستاره ها درون زمین تنها و تنها به خود می اندیشند و می کوشند نمایشی را اجرا کنند که آنها را بیشتر و بیشتر در چشم ها قرار دهد و قیمت آنها را بالاتر ببرد.

نمایشی که بر پایه منفعت شخصی تنظیم شده و حتی منفعت تیمی را هم در موارد خاص به پای خود ذبح می کند. در این نمایش حتی بدنامی نیز خریدار دارد و بر گمنامی ارجح است؛ بدمن هایی که در این شهر شلوغ حتی به اندازه ستاره های خوشنام معتبرند و خریدار دارند و حتی از آنها پیشی گرفته اند.

اگر روزگاری در فوتبال تعداد بخیه های سر و شکستگی های دست و پا معیار تعصب و از خود گذشتگی بود، امروز دعوا و یقه گیری با انواع دشنام های ناموسی نشانه تعصب شده و این خود نشان می دهد که تا چه اندازه مفاهیم رنگ باخته اند و واژه ها تعریف تازه ای پیدا کرده اند.

دعوا و جدلی که گاه حتی به بیرون زمین کشیده شده و به صفحات مجازی راه پیدا می کند و چه کریه که همان الفاظ متعفن بی پرده در شبکه های اجتماعی بین ستاره ها رد و بدل می شود.

آنها که باید سمبل و نشانه ای برای هواداران و مردم باشند اما در یک نمادسازی وارونه از مردم چاله میدان هم پیشی گرفته اند و با سخیف ترین واژه ها به رقیب می تازند و عجباً که این همه پرده دری با استقبال عامه روبه روی می شود و آنها را جری تر و وقیح تر می کند. خشونتی که از نقش اول های نمایش فوتبال جاری می شود و همه را درگیر می کند.

## نمایش مهوع و خشونت عریان به نام فوتبال

# تریلر سیاه در مستطیل سبز

## داوران

قاضی به عنوان مجری قانون همیشه و همه جا قداست دارد اما دیر زمانست که در معرکه فوتبال، این قداست ووجاهت زیر پاله شده و از بین رفته. قاضیانی که با غلتیدن به وادی اشتباه و انحراف آبروی این قشر را حراج کردند و دروازه ای را کشودند تا همه باعینک بدبینی وشک و تردید به آنها بنگرند. دهه ۸۰ و سواپی کارت به کارت شاید پررنگ ترین خاطره از این اشتباه نابخشودنی باشد. آنجا که اعتبار و سلامت داوری در فوتبال ایران تشییع شد تا پس از آن شاهد فرو ریختن جایگاه قاضیان باشیم. آنها که پس از بیرون افتادن اتفاقات پشت پرده، هر اشتباهشان با دیده شک و تردید قضاوت شد و هر آنچه سهوی و یا عمدی رخ داد، به دست های پشت پرده انتساب یافت. مردانی که هنوز سوت آغاز بازی زده نشده، در دقیقه صفر متهم بودند و این نگاه تلخ و منفی سبب نزول شأن و تزلزل جایگاه داوری شد. در این میان نزول کیفیت داوری نیز به تمام این اتفاقات دامن زد و کار را به جایی رساند که برنده و بازنده از داور گلابه دارند و تمامی مصیبت های فوتبال به آنها نسبت داده می شود. در این سال ها دیوار داوران آنقدر کوتاه شده که دیگر از آن چیزی باقی نمانده و بدل به ویرانه ای شده که هر متهمی برای فرار از قصورات خود توپ را به این زمین سوخته می اندازد. در چنین وانفسابی بازنده ها، ناکامان و البته خطاکاران نیز از این فضای غبار آلود سو، استفاده می کنند و با حمله به این قشر ضعیف و پاک باخته، می کوشند تا سپر بلایی برای خود بسازند و همیشه در عزا و عروسی، سر داوران بالای چوبه دار اتهامات می رود. آتش به اندازه ای شور شده که با ادامه این روند می توان انتظار داشت که تمامی مصائب فوتبال از اشکالات اساسنامه گرفته تا کلاهبرداری ویلموتس و بی سرو سامانی فدراسیون نیز به پای آنها نوشته شود! در این میان عقب ماندن داوری ایران از همین فوتبال بی مایه، سطح کیفی پایین داوران و اشتباهات فاحش و بیجگانه با ضربی بالا و شایعات استخوان سوز اطراف این قشر نیز سبب شده تا همیزی به این آتش اضافه شود و درگیری و خشونت در زمین و بیرون آن راه اوج برساند. آنچه سبب شده تا بازیکنان و مربیان تا آنجا به خود جسارت دهند که حساب هایشان را با داور درون زمین تسویه کنند و همین به خشونت عریان فوتبال بیشتر و بیشتر دامن می زند و آتش آن را شعله ورتر می سازد.



سعید آقاایی

Saeed Aghaee

بی اعتمادی و تشکیک در تمام آحاد جامعه می شود؛ دیگر کسی نمی تواند بگوید که به رفیقش اعتماد دارد چون ممکن است تمام اعمال دوستش برای مدرک جمع کردن و ضربه زدن به او باشد. این نمایش ها باعث می شود تا فرهنگ بدبینی و بی اعتمادی از فوتبال به تمام جامعه اشاعه پیدا کند. همه رسانه ها باید به این مسائل بپردازند و کاری کنند تا اتحاد و اعتماد به جامعه فوتبال برگردد، اعتمادی که از مردم نسبت به مسئولین و برعکس هم کم شده. نمی شود که بگوییم همه بمیرند تا ما زنده بمانیم، فضا اگر تخریب شود برای همه تخریب شده و اگر سالم بماند، سودش برای همه است.

**آیا این باور به حل مشکل در فوتبال ایران وجود ندارد؟**

ما باید گروه های کارشناسی مدون و مشخصی را تعیین کنیم تا در حوزه روانشناسی فوتبال کار کنند. این که ما به روانشناس مراجعه کنیم یعنی به موضوع روانشناسی و نیازمان باور داریم اما چنین چیزی بین مسئولین فوتبال کشور دیده نمی شود. باورها فقط روی بُرد متمرکز شده و همه می خواهند به هر قیمتی هم که شده بازی را ببرند؛ چه مدیر، چه مربی و چه بازیکن. من خودم زمانی سرمربی یک تیم بودم و طی یک مسابقه آرام کنار خط طولی زمین ایستاده بودم. در آن بازی تا دقیقه ۹۲ با نتیجه ۲ بر ۱ حریف مان پیش بودیم اما در وقت های تلف شده و تا دقیقه ۹۹ بازی بُرده را ۳ بر ۲ واگذار کردیم. هیأت مدیره آن باشگاه بعد از بازی مرا بازخواست کرد که چون کنار زمین ساکت ایستاده بودی و جنجالی نکردی، نمی توانی حق ما را بگیری! راه هایی که برای پیروزی در فوتبال باشگاهی ایران استفاده می شود، همین است و متأسفانه در فوتبال پایه هم این معضل به طرز چشمگیری افزایش یافته. ۹۰ دقیقه درگیری و جنجال را داخل و خارج از زمین در مسابقه دو تیم پایه ای می بینیم که الگوی شان همین فوتبال به ظاهر حرفه ای ماست. بچه ها بزرگ تر خود را می بینند و این بزرگ تر هم راه درستی را نمی رود.

**این تفکر سعی را چگونه می شود درمان کرد؟**

باور حاکم بر فوتبال ما و بر تفکرات مدیران فوتبال ما این است که اگر می خواهی پیروز شوی، باید نیمکتی داشته باشی که در جنجال و حاشیه کم نیاورد! ۵ سال است که من در این باره حرف می زنم اما کوچک ترین اقدامی برای در مانش نیست. همین باعث می شود که مربیان باشخصیت و ساکت بازنده شوند و دیگر مربیان یاد بگیرند که برای

نرسیده ایم. همیشه سعی کردیم تا با تنبیه و توبیخ از طریق کمیته های اخلاق و انضباطی و مراجع قانونی صورت مسأله را پاک کنیم اما طی حداقل ۳۰ سالی که من به خاطر دارم، همیشه این اقدامات اهرم بازدارنده موقت بوده اند که در نهایت به افزایش ناهنجاری ختم شده اند. متأسفانه به جایی رسیده ایم که باورهای اشتباهی به فوتبال ماترزیق شده و همه فکر می کنند برای بُرد باید جنجال کنند، وگرنه سرشان کلاه می رود. این باور برای ما و فوتبال مان مخرب شده و هر لحظه هم در حال پیشرفت و فزونی است. اعتماد بین مسئولین و باشگاه ها، مربیان و مدیران، بازیکنان و مسئولین و همه اعضای این زنجیره به حداقل رسیده و همه در نقطه مقابل همدیگر قرار دارند. ما برای به وجود نیامدن این طرز تفکر کاری نکردیم و نتوانستیم جلوی این فعل و انفعالات مخرب را بگیریم.

**چه موضوعی این بی اعتمادی را بین ارکان اصلی فوتبال کشور تشدید کرده؟**

وقتی حاشیه امنیتی برای مربیان و کادر فنی وجود نداشته باشد، ناگزیر اهداف تغییر می کنند و بی اعتمادی هم بیشتر می شود. وقتی یک مربی تنها برای ۴ هفته وقت دارد که خودش و افکارش را ثابت کند تا باز هم روی تیمکت یک تیم باقی بماند، خب هدف گذاری هایش هم فرق خواهد کرد. مسائل را کنار یکدیگر بگذاریم کاملاً مشخص است که چرا به اینجا رسیده ایم. مقابله با این بحران بزرگ نیازمند حضور مستمر و مثمر ثمر جامعه شناسان و متخصصان علوم انسانی در فوتبال است. ما باید نشست های پی درپی و کنفرانس های بزرگی داشته باشیم تا علل ریشه ای بحران خشونت بی حد و حصر در فوتبال شناسایی و بررسی شود. اینگونه مسائل روانی و ساختاری با جریمه و تنبیه و توبیخ قابل حل نیست.

**چه کسانی در تشدید این بی اعتمادی ها نقش پررنگی را بازی می کنند؟**

رسانه ها نقش بسیار مهمی در تلطیف و یا تشدید فضای بی اعتمادی داشته اند و همیشه هم دیده ایم که مردم بیش ترین تأثیر را از رسانه می گیرند. یک برنامه ۲۰ سال روی آنتن می رود و چیزی جز جنجال، بدبینی و بی اعتمادی را به فوتبال کشور اضافه نمی کند. بر برنامه دیگری مدیرعامل و یک رئیس هیأت مدیره که چندین ماه مستمر با یکدیگر کار کرده اند، با هم دوست بوده اند و در کنار هم می نشستند به طرز فجیعی دعوا می کنند و فایل های صوتی و شخصی همدیگر را بازنشر می کنند. خب این موضوع باعث

فرهنگ بدبینی و بی اعتمادی از فوتبال به

تمام جامعه اشاعه پیدا کرده است

جلالی: من را بازخواست

کردند که چرا جنجال نمی کنی!



میعاد نیک

Miaad Nik

فوتبال باشگاهی در ایران تبدیل به آبنه ای شده که ناهنجاری های فردی و اجتماعی جامعه ما را بازتاب می دهد. طی دو هفته اخیر لیگ برتر در شرایطی با افزایش میانگین خشونت بین مربیان و بازیکنان مواجه بوده ایم که روی سکوها خبری از هجوم تماشاگران نیست. به همین بهانه با مجید جلالی، مربی اخلاق مداری که از ابعاد فنی هم چیزی کم ندارد به گفت و گو نشستیم تا علل اینگونه خشونت طلبی را بررسی کنیم.

**فوتبال ایران طی سال های اخیر با بحران خشونت افسار گسیخته ای در بطن خود**

**مواجه بوده که نمونه های آن طی لیگ بیستم در حال افزایش است. علت بروز چنین رفتارهایی چیست؟**

سال های سال است که با این معضل درگیریم و هرگز به راه حل مشخصی